

استعمازده را توسط تحمل فرهنگ و آموختهای خود جهت استفاده بیشتر مهبا سازند. روند چنین جریانی که اساس و پایه های استقلال جامعه را بارزدا فراپیش یابندهای شدیداً مورد حمله قرارداده بود و به نابودی تهدید میکردها گرداده می بافت و حرکتی بیگیر و موثر به مقابله با آن برخی خاست، بازگردا ندن جامعه و انسانها یعنی به احوال و هویت مستقلان بپوشیده دشوارتر می گشت.

از سوی دیگر عمراء شاهدتها و متهمان فراز وفرودها و تعبیره انزویهای متعددی نیز در جنبش مردم بوده و تائیرآورای مختلف را درنا توانی جوابگوئی به مشکلات ومعضلات جامعه مناهده کرده و لزوم و ضرورت یک نهضت فکری و اعتقادی اسلامی باشگوی نیازهای اساسی را در مصاف فکری اجتماعی لمس نموده است. نسلی که بعد از جنبش مشروطه نهضت های مبارزاتی مختلف فیدا طی کرده که در این نهضت ها مردم «ضمون درخانه ترین مبارزات ملی» آرمانهای استقلال طلبانه را در میان خود گسترش و صیقل دادند. طی چنین رابطه ای در جامعه ایران بر اثر گشتن و تحریه کردن مراجحت مبارزاتی از یک طرف و افزایش تأثیرپذیری از شرایط فکری جهانی و روابط بین المللی از سوی دیگر ضرورت ها و مدلکاتی که در سر راه مبارزه و رشد جامعه قرار داشتند خود را مشخص تر نهادند. از مهمترین این مشکلات جو عمومی حاکم بر جامعه ایران بود. در چنین جو فکری و فرهنگی، نیروهای کارآ و استعدادهای خلاق درون جامعه بر اثر یکسری مسائل تاریخی علیرغم پیروزیهایی که داشته اند به مقطعی رسیدند که با همان سنن تمام قابل به ظهور نبوده و نتیجتاً در جریانات اجتماعی خواستحرکت و قدرت تحرک و مقاومت و سازمانده مردم را تاحد زیادی کاهش بقیه در صفحه ۲

یادِ یادآور

از فقدان متفکر بزرگ اسلامی مجاهد علی شریعتی یکسال میگذرد. فقدان انسانی که با حیات پربرگش دریچه‌ای تازه بروی عصر ما وسل میگود. تا از آن نور ارزشها ای اصل اسلامی و دعوت به ایمان و ایثار به درون فضای ایران و تاریخ جامعه ما بتراود و آنرا گرم و روشن سازد.

در ادامه دوران تسلط قدرت‌های استعماری در ایران شرایط تاریخی و اجتماعی حركت‌شریعتی یکی از حساس‌ترین دوران تاریخی این سزمهین بیمار میروند. در طی این دوره ایران بچار تغییرات و دگرگونی‌های متعددی از نظر وضعیت و راه ورسم زندگی گردیده شرایطی که با تاثیر پذیری از روابط استعماری بین المللی بینیانهای معنوی و مادی جامعه در سیر تاریخی خود باشد بیشتر و برنامه ریزی دقیقتی مورد تهاجم قرار گرفتند و یک استحاله اجتماعی به سرعت کدور را دگرگون کرد تا ساخت فتووالی آنرا در هم ریخته و به گونه‌ای خاص روستا و پیشراها و بالنتیجه سازمانهای اجتماعی ورسم زندگی انسانهای آنرا در می‌سر منحط دیگری شکل نهد.

در این میان مخفی مخ اندیشه و فرهنگ و جداساختن یک ملت از عنامر سازنده شخصیت و شمور تاریخی اش، از برنا مهای قدیمی استعمارگر واستعمارگر در مقابله با سنگرهای مقاومت و نهضتها ملی بوده که در چنین عملکردی و هنگامه کالاهای مصرفی غرب بسوی بازارهای ممالک استعمازده نیز بشمار میرفته است. علاوه بر آن چنین سیاستهایی در ادامه خود در خدمت آن بودند تا انسانهای

تحلیلی از شرایط ایران

(سالهای ۵۰ - ۵۷)

مقاله این شماره «تحلیلی از شرایط ایران (سالهای ۵۰ - ۵۷)» بواسطه ابعاد وسیع آن و فرونگشتن از حد یک مقاله، بصورت جزوی اضافه این شماره منتشر میگردد.

توضیحی

در تأخیر این نشریه

لازم به تذکر است که شماره ۹ نشریه جهاد قاعدتاً میباشد چندی پس از کنگره دوم سازمان (آگسٹ ۷۷ - مرداد ۵۶) - تهیه و منتشر گردد، لکن سازمان پس از کنگره موقفن با مشکلات درون سازمانی و تشکیلاتی غیرقابل تصور و بیش بینی نشدهای مواجه میگردد که به رکود کار سازمان در ارکان مختلف، و بطور عده دائره انتشارات منجر میگردد. با آنکه پس از ۵ ماه سازمان از آن مشکلات خارج گشت از آن پس نیز تاکنون از یک طرف بواسطه صرف نیرو در ترمیم عقب- ماندگیها و از طرف دیگر بواسطه مصادر شدنش با دوره‌ای از خیزشها اعتراضی توده‌ای در ایران یکی پس از دیگری، که عده نیروی سازمان را صرف امور دفاعی میکرد، نشریه جهاد عملتاً کنون به تأخیر افتاد.

از این پس در عین حالیکه سعی میشود نشریه جهاد بنایه مصوبه کنگره هر دو ماه یکبار منتشر گردد. همچنین بقیه در صفحه ۲

صحیح خویش منجر به آشنائی و پشتیبانی و همکاری نزدیک با نهضت‌های انقلابی سایر کشورهای جهان سوم «خصوصاً کشورهای آفریقایی گردید». شریعتی در این دوران علاوه بر حمایت و کمک‌فرمودن به این جنبش‌ها خودنیز فرمود آشناشی و تماس فکری با آنها را یافت که منجر به روابط نزدیکی با برخی از فعالین آنان گردید و در این میان آشناشی وسیع دوستی اوبامتنزکر بزرگ‌جهان سوم فرانس نانون برایش از همه موثرتر و ارزش‌تر می‌نمود. در مجموع، یاده‌ها و گفته‌های این روشنفکران درست‌اندینه منبع تغذیه صحیح را برای افراد ساختند و بعد از در ارائه دعوت‌ها و طرح مسائل همراه شواهد نمونه‌ها اورای را در دادند. در عین حال وی از نزدیک فعال در کارهای آکادمیک که همو و همکرا با خواسته‌ها و اهداف مرحله‌ای اش بود غافل نماند و ضمن آشناشی ژرف با فرهنگ‌ها و ادیان و فلسفه‌های مختلف و بافت‌بینش جامعه شناسانه، فرمود مطالعه‌ای افکار و آشناشی نزدیک با بسیاری از متذکران غربی و مراجع تقلید و روشنفکر نهاده و تحصیل کرده‌های کشور مارا پیدانمود. آشناشی او با برخی از متذکرین و مصلحین مغرب زمین بسیار اثربخش و تعیین کننده بود. چنان‌که خود مطرح کرده است، این برخوردها در می‌سیر زندگی او بسیار مهم بشار میرفتند. وی دویک رابطه تهاجمی - شناختی از امکانات محیط خویش جهت گسترش شخصیت و وجود خود استفاده‌های بسیاری برداشت. مبادرت علی شریعتی از این دوران خود را از این مرحله به عنوان فرمودنی جهت تجهیز خود و برآن‌مده ریزی برای آینده بهره برداری کرد و کوله بارتخریبات این دوران راهمراه مستولیت‌سنجی خویش به ایران آورد.

هنگام ورودیه ایران رزیم خائن بهلوی اور ابه علت‌داشتن فعالیت‌های شدیدسیاسی مستقیماً به زندان انداشت ولی پس از جندمه به علت عدم شناخت دقیق از ابعاد عمق فعالیت‌وی در خارج اورا آزاد نمود. اما امکان تدریس در دانشگاه را از اگرگفت و وی ناجارا به تدریس دریک روتای دورافتاده خرمان مشغول شد. شریعتی که خود را برای کار و تماس با مردم در محیط آماده کرده بود و انتقامی شکوف داشت، دنگان از کار کردن در آنجا نبود. پس از چندی با

بندهای کاروی در این دوران ترجمه کتاب «ابونت» به قلم «جودة السحار» بود که کارسترنگ و غیر متعارفی برای دانش‌آموز سال پنجم تبرستان به شمار می‌رفت. وی پس از اتمام دوره دانش‌سرای مقدماتی کارتدیرس در روسستان خراسان را شروع کرد و فرمودنی یافت تا مشهود تخدود را از زندگی مردم گسترش ندهد. در طی این دوره، و تصیلات کلاییک خود را نیز در دانشگاه مهند ادامه داد. در دوران گفت. «آنکه عذر وجود نهضت فکری بیدگیر و مستمر در شرایط شکل‌بندی جامعه بصورت تحریک‌کرده قدیم وجودی دارد، عالم منهبي و غیر منهبي، دانشگاهي و بازاری، بیرون جوان، متبددو امل، ...»

تشتت افکار را بیشتر مینمود. منصب مدیر ارشاد وارونگی ارزش‌ها و مقاهم اصلی و انقلابی اسلام و سخن فرهنگی جامعه در کالبدی گرفتار گشته بود که بجز دریک و فهم قشری که همیشه در حساس- ترین شرایط مبارزاتی جامعه، با برداشت های نسبتاً صحیح نسبت به زمان خود جامعه را به تحرك و ادانته و تسویه‌ها را بسیج کرده و مبارزه را هدایت می‌کرد، عمل بیشتر نیروها را زنده و بیوینده را به بند کشیده و ضمن کاهش نیروها آنها را از مسیر و صحنه زندگی غافل مینمود.

و این چنین جریانی در خدمت جیره‌ای مستکبرین، ابعاد استضعاف را گستردۀ می‌کرد. منتها می‌نمی‌گذرد و تقلیدی و موروثی همراه خرافه‌ها و موهومات به جای مذهبی که حرکت می‌سازد و خود را گاهی و بیداری و مشتولیت و حساسیت‌سیاسی و اجتماعی میدهد توسط ناگاهان و شبیه مقیسان و واستگان به ارتفاع و امیریا- لیسم تبلیغ می‌شد. بدین ترتیب توانایی ها و امکانات انسانها این جامعه به انتظار بازگشایانه نموده و این آور اسلام حقیقی پژمرده و تلف می‌شند و در این میانه آنچه غالباً مطرح نمی‌گشت و با باب تبلیغ و شناخت و تغییرش گوهد نمی‌گذرد. بنیادنی این مکتب، تبعیغ علی و آموزش‌های مکتب اصلی اسلام بود. که چنین موقعیتی خرابی‌ساده‌ای برای کارروشنگران اصلی اسلامی نبود.

علی شریعتی از دوران تحصیلات دبیرستانی کار نظر و تبلیغ افکار اسلامی را دریک رابطه مبارزاتی و آموزنده و محیطی صیمی در کنار پیشروع کرد. از نمونه بتیه «پاد...» از صفحه ۱ میدانند. انسانها ای ایده آل و ایده‌آل های انسانی و جامعه عدل در چشم مردم رفت و رفته در دور و پریده رنگ و غیر قابل ستریس و نامحس مینمود. به این ترتیب جامعه از ارزشها و نیروهای حرکتی بعنهای ای که در طول تاریخ خویش با برخور داری از تعالیم مکتب راهی بخش اسلام پرورانده بود، میرفت تا پرتو محروم گردد. نهضت فکری بیدگیر و مستمری لازم بود تا بار دیگر بکار اجها و پرورش این منابع اقدام کند. بخصوص آنکه عذر وجود نهضت فکری بیدگیر و مستمر در شرایط شکل‌بندی جامعه بصورت تحریک‌کرده قدیم وجودی دارد، عالم منهبي و غیر منهبي، دانشگاهي و بازاری، بیرون جوان، متبددو امل، ...»

تشتت افکار را بیشتر مینمود. منصب مدیر ارشاد وارونگی ارزش‌ها و مقاهم اصلی و انقلابی اسلام و سخن فرهنگی جامعه در کالبدی گرفتار گشته بود که بجز دریک و فهم قشری که همیشه در حساس- ترین شرایط مبارزاتی جامعه، با برداشت های نسبتاً صحیح نسبت به زمان خود جامعه را به تحرك و ادانته و تسویه‌ها را بسیج کرده و مبارزه را هدایت می‌کرد، عمل بیشتر نیروها را زنده و بیوینده را به بند کشیده و ضمن کاهش نیروها آنها را از مسیر و صحنه زندگی غافل مینمود. و این چنین جریانی در خدمت جیره‌ای مستکبرین، ابعاد استضعاف را گستردۀ می‌کرد. منتها می‌نمی‌گذرد و تقلیدی و موروثی همراه خرافه‌ها و موهومات به جای مذهبی که حرکت می‌سازد و خود را گاهی و بیداری و مشتولیت و حساسیت‌سیاسی و اجتماعی میدهد توسط ناگاهان و شبیه مقیسان و واستگان به ارتفاع و امیریا- لیسم تبلیغ می‌شد. بدین ترتیب توانایی ها و امکانات انسانها ای این جامعه به انتظار بازگشایانه نموده و این آور اسلام حقیقی پژمرده و تلف می‌شند و در این میانه آنچه غالباً مطرح نمی‌گشت و با باب تبلیغ و شناخت و تغییرش گوهد نمی‌گذرد. بنیادنی این مکتب، تبعیغ علی و آموزش‌های مکتب اصلی اسلام بود. که چنین موقعیتی خرابی‌ساده‌ای برای کارروشنگران اصلی اسلامی نبود.

علی شریعتی از دوران تحصیلات دبیرستانی کار نظر و تبلیغ افکار اسلامی را دریک رابطه مبارزاتی و آموزنده و محیطی صیمی در کنار پیشروع کرد. از نمونه

رابطه غیر انسانی، مرها نیده شوند. آنهم نه با ردو نفی غافلانه و چشم بسته، بلکه با شناخت و نقدهای اجتماعیان که شرایط واقعیتی ایجاد کنند، آنها در رابطه با خواستگاری آنهاست. تاطی مقایسه صحیح علمی انسانهای جامعه مابه ارزشها و پرتریتیها دخالت منتهی و فرهنگی خویش آگاه گردند. می‌باشد خلق به ضعف کشیده شده و مرعوب ما به امکانات و توانایی‌ها خود و قوف یا بدتا ارزشها ایجاد مسلمانی به یمن معجزه "ذکر زنده‌وجاری شوند و جامعه را به فضیلت‌جهش نایل شانند.

مسئله مهم دیگر در شیوه کار شریعتی ارتباط او با افراد جامعه و توده های مردم است. میتوان گفت بزرگترین رهنمودی که او هنگام مقایسه پیامبران توحیدی با فیلسوفان و عالماًن آنگونه که غالباً در تاریخ بوده اند گرفت، وجه میزه آنان از این دیدگاه بود که چون عالمان و فیلسوفان جدا از توده نباشند. بدین شکل شریعتی شیوه ساده گوشی و برای مردم سخن گفتن را به عنوان یک سنت اسلامی بهایم بران اسلامی آموخت و از آن تبعیت کرد. در این راه ادبیات‌غشی و عمیق پارسی را به شیوه‌ای زیبا و دلنشیزی برای بیان مقاصد و تأسیس فکری و مطرح کردن دعوت‌بکار گرفت. افکار عمیق و ارزشی ایجادی او در محيط‌های دانشگاهی به علت خط مثنی و چهت‌گیری صحیح اش رواج گرفت و گسترده شد. دعوت‌ها پشت‌دعوت‌ها به دعوت‌ها و پاسخ‌هی گفتد و روزنه‌های نور در ظلمت نظام جور به روی او باز می‌شدند و روحیه اورا تقویت می‌کردند و عکس العملهای جامعه در راهی که او و برگزیده بود و متأهد قوانینی که اگر در بیان روزافزون می‌بخشد. در این ایام بود که به دعوت‌حسینیه ارشاد پاسخ میدادند به اولانیت، اعتقاد و ایمان روزافزون می‌بخشد. در این ایام بود که به دعوت‌حسینیه ارشاد پاسخ گفت و مسئولیت امور فرهنگی "ارشاد" را بر عهده گرفت و سرفصل جدیدی را در زندگی اش آغاز کرد.

حسینیه ارشاد موسه ای بود که با سرلوحة قراردادن شعار "ولتک منکر امة یدعون الى الخير" و ایشان باید گروهی باشد که مردم را به خیر و صلاح دعوت کنند (آل عمران ۱۰۴) تستبه کار تبلیغ و نشر مادقاته افکار بقیه در صفحه ۴

می‌یافتد، اقدام به مرزبندی مشخص را از ضروری ترین کارمی دانست. با اینکار چهره حقیقی اسلام از آلیش‌های خرافی و ساختگی زدوده می‌شدو مسلمانان و علاقمندان به اسلام و آناتی که هنوز جهت نگرفته بودند و در عطش دعوت‌یک مکتب صحیح می‌ساختند. چهره ای اسلام برایشان درست طرح می‌گردید.

در این میان رژیم خدا‌اسلامی به‌لسوی هم در تظاهرت‌بیانی و دروغین خویش به مسلمانی، بارون شدن ملاک‌های ایجاد مسلمانی، ناکام شده افتخار می‌گردید. از طرف دیگر فرم‌طلبان و جاهلان بسیاری که در شرایط موجودی حمله به مفاهیم غیراسلامی، که در جامعه بنام اسلام معرفی شده بودند، بر اسلام راستین تاخت و تاز می‌کردند. دیگر فرستادیک در گیری نامانع اجتماعی را نمی‌یافتد و با اینکه شدن مباحث، در چهارچوب منطقی و صحیح خود بسیاری از اختلافات و شکافها بین زنده اندیشان و نیک‌خواهان رو به رو بهبودی میرفت و آن فاصله خطرناک بازدارند به درستی بر می‌شود. وی ضمن

مشخص کردن موز بین اسلام حقیقی و واقعی با مسلمانی را یج، یعنی مکتب ارائه شده در صدر اسلام و مذهب مورد تبلیغ و مسخر شده نظام خلقت و حکومت در طول تاریخ اسلامی، مکانیزم تبدیل هریک به دیگری را نیز در خط سیر تاریخی این دقیقاً مورد بررسی و تحلیل مستمر و دقیق قرار دارد. بر اساس تشریح تاریخی مستند چنین استحاله‌ای، به دری گیری از چندین روابطی همت‌گماشت و کاربرد برداشت‌های فکری و عملی حامله از چنین جریانی را در راه مبارزه برای آینده سازی انسان مطرح کرد. برداشت‌های تاریخی و شرایط اجتماعی، افتخار ماهیت‌مزورانه ای که در جامعه برای ازیاد بردن شکاف‌طبقاتی و فاصله ژرف میان استثمارگر و استثمار شونده زیر لوای "منصب مشترک" دست به تبلیغ می‌زد، نیز لازم مینمود تا نیرو های خدمت‌دیمی در هر سه صورت "فرعون"، "قارون" و "بلعم باعورا" به مبارزه طلبیده شوند. برای روش بودن دعوت‌ها مکتبی و استفاده از مکتب در برناهه ریزیها به عنوان یک ایدئولوژی لازم بود منابع ایدئولوژیک بر اساس مسائل روز استه بندی و تجزیه و تحلیل و مدون گردند. در ضمن دعوت به مکتب، سرهای جوانان می‌باشد از عبودیت بتهاي غرب، این

بقیه "پاد... " از صفحه ۴ بدیرفته شدن به سمت استادیا ری در دانشگاه مشهد کار تدریس در دانشگاه را آغاز نمود. به زودی استقبال دانشجویان از آموزش‌های اسلامی او فراتر از محدوده دانشگاه مشهد رفت و علاوه بر کلاس‌های برگمعیت او در دانشگاه مشهد، دعوت‌های دانشجویان اغلب دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی ایران اورا به سوی خود فرا می‌خواندند. در چنین موقعیتی بود که دکتر شریعتی با درنظر گرفتن شرایط اجتماعی و تاریخی عکس و محتوای مبارزه خویش را غنا بخشید. به نظر او کار ساختن جامعه نو و حرکت به سوی ایده آل‌ها با نفی و طرد ارزش‌های حاکم و بازدارنده و ضدکمالی همراه تبلیغ ارزش‌های راستین و انقلابی برای ساختن انسانهای ایده‌آل شروع می‌شود. نقطه شروع انقلاب در ارزشها و مبارزه با تمام عوام اساسی بازدارنده‌ی حرکت اجتماعی است. و چنین شروعی می‌باید با تکیه بر گذشته تاریخی و درجهت ادامه سیر منطقی حرکت‌جا مده بر اساس نیروها و روا بطری باشد که جامعه در طول تاریخ خمن یک کار خلائق در خود بروانده است. برای مبارزه با "منصب تخدیر" کننده باید "منصب بیدار" کننده را برگزید و برای از بین بردن تعصب کور "می‌باشد" تعصب آگاه "را به جامعه آموخت".

او شکل کارخونرا عدتاً به عنوان یک مبلغ و معلم در مبارزه سیاسی آشکار انتخاب کرده و نسل جوان را به علت حساسی و طرقیتیش به عنوان بخشی از جامعه که برای شنیدن و باسخ دادن به دعوهای برانگیزانده از سایرین حساس تر و موثر تر ندشیخیم داد. هدف اساسی اش در طول مبارزه معرفی و تبلیغ و گشتن ارزش‌های انقلابی اسلام و ارزیابی و تحلیل انسان، زندگی و حوادث جامعه و تاریخ توسط این ارزشها و مفاهیم طی یک کار مستمر و فشرده بود، که حتی الامکان مسادل‌از برای چنین کاری می‌باشد از عمق و درون منابع منتهی - فرهنگی جامعه استخراج و تصفیه شوند. بدین شکل مکتب اسلام را برای تعامی روشنکار نو مصالح اندیشان ملت ایران و ممالک اسلامی به عنوان سلاحی موثر جهت آگاهی دادن، بسیج کردن و مبارزه مردم استعمار زده با امپریالیسم معرفی می‌کرد. در این میان چون مرزبندی و تشخیص حق و باطل در همه زمینه هارا بر اساس اسلام رایج نامشخص

جنب میشد وابن چنین بود که جامعه عملای آرمان بیان مقاصد مشترک توسط زیان مشترک درجهت بوجود آوردن امکان جمع بنده و همکاری نویزنا مههای موثر مبارزاتی در زیر پرجم تشیع علوی و برکردن شکاف فکری موجود در جامعه نزدیک شد.

مجاهد غریعتی که خود به جهاد مسلحه برای رهائی جامعه از سلطه ارتقای و امیرالیسم اعتقاد داشت عشا در انقلاب حسینی را پایه و اساس تبلیغ و آموخت خود برای تفہیم این ضرورت و آماده کردن افکار مردم جهت اقدام به آن قرار داد. "دراینجا برای آنکه پرسنی بی باسخ نباشد هیچ لکه ابها می برجانمند بس از طرح ایدئولوژی مکتب اراده نمونه های "ایدها"، مشخص شدن راه های فکری، شعارهای اصلی، تکیه گاه، اعتقادی، مجہت گیری تاریخی و موضع دقیق اجتماعی و طبقاتی، باید مسائل استراتیجی اراده "نمونه های عینی" و شیوه حرکت و راه تحقق وبا لآخر - اگر بخواهیم با زیان جامعه شناسی علمی سخن بگوئیم در رابطه دیالکتیکی "ایده و عمل" و "وجهه دوم مشخص شود".

"دراینجا برای بیان آنچه بسیار پیچیده است، به یک سنت رایج در میان توده مردم خویش متولی میتویم متنی سخت عمیق و بسیار پرمعنی و شایسته تامل..... و آن "گریز" است. از هرچه مطرح است، توحید، مذهب، قرآن، محمد، علی، حج، عبادت، فلسفه، عرفان، عقق، یمان، شادی، غم..... از هر عقیده ای هرستنی، هر مسالمای، هر رسمي، و به هر حال از هر که و هرچه بیهی و عاشورای حسین "گریز زدن"! یعنی که همه اینها همچ چه هست، باید به داستان او بیوند خورد و گرنه مجرد و مطلق، همبهی است و با بی ثمر! یعنی محور هرچه که هست، عمل اوست". (چه باشد کرد ص ۵۶ و ۵۷)

او مطرح کرد که خون شهدان و مظلومان بیشماری بر سینه تاریخ نقش بسته است و دعوت حسینی در طول تاریخ، برای همه عصرها و نسل ها مطین انداز است و مرغ انتقام (ثار) در افق خونین جامعه ما همیشه در پرداز است و خلق را به "قصاص" دعوت میکند. بدین صورت منطق حیات بخش قرآن و انقلاب حسینی را به جامعه عرضه میداشت "حسین آموخت که "مرگ سیاه" سرنوشت

کنده بچند هزار کارمندو چندین طبقه ساختمان و تشکیلاتی عظیم، و بودجهای چندمیلیونی، نیازمند است." (سلسله درسها اسلام شناسی درس ۶) .

چنین برناهه هائی در حسینیه "ضمن معرفی کردن و مطرح کردن ملکهای اصول ایدئولوژی اسلام، کاربردانهای ابرای تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی و شناخت از جبهه ها و نیروهای موجود در جامعه همراه با مطرح کردن ضرورت تجهیز گیری آگاهانه نیز آموخت داده میشد. دکتر شریعتی مسائل حادث اجتماعی و فراتراز آن، جهان را در میان درسها و کنفرانس های خود در ارشاد مهارانه می گنجاند و تشریح میکرد. او بدانظر گرفتن مسائل و ضرورت های مطروحه در جامعه و وقوع حواستان در مقاطع زمانی خود و جو فکری، آموختهای ایدئولوژیک اسلام را در محیط خفغان آور و سیاه و سرکوبگر سیاسی و فکری با همیاری به پیش مبادرد و انسان هارا مخاطب قرار میداد و مسئولیت هارا دیدا برمی انگیخت.

براساس تحلیل مدام و بیدگیر از شرایط جامعه ایران و کشورهای اسلامی نظیر آن و با کار گرفتن امکانات و شیوه های موجود علمی و هنری درجهت زنده کردن خودآگاهی فرهنگی و منبهی و انسانی جامعه، ضمن مطرح کردن مسائل اساسی در راه سیاره های حلها و جمع بندیهای خود را نیز اراده میدارد. وی در این دوره مجاہدیتی فراوان داشت از این طریق اینجا آن حاضر شوند. در این دوران بود که دکتر شریعتی طرح "چبا بد کرد" را ریخت و می کوشید تا با بکار گرفتن نیروهای جوان جامعه، گروههای آموخته و تحقیقاتی متعددی را به وجود آوردنا امر شناسائی و تبلیغ محبی اسلام را از این طریق انجام نهاد. کارها رو زیب روز گسترده تر میشد. در این زمان مجاہد شریعتی فرمات یافت تا گوشه هایی از تاریخ میارزاتی تشمیع و جلوههایی از اسلام را سین و نخستین را در سطح وسیع تری به جامعه بدناساند. درسها ای "تاریخ و شناخت ادیان" و "اسلام شناسی" از درخشنده ترین کارهای این دوره اند. در زمینه تأثیر و بخدمت گرفتن هنرمتهدو زنده کردن ابعاد مختلف ارزشها ای اصول فرهنگی جامعه فعالیتهای متعددی صورت گرفت و "حسینیه" با بهره گیری از نیروهای بسیج شده و دا طلبانه مردمی و بیانه کارهای این زمینه تأثیر و بخدمت گرفتن بسیارهای در زمینه های خودنگار فرهنگی به انجام می رساند چنانکه به گفته خود مجاہد شریعتی "ما، بی آنکه بیویجهای داشته باشیم، و صاحب امکاناتی باشیم، و بی هیچ تائیدی، و دیواری برای تکیه کردن و سلاحی که در نست بگیریم، و جیب پری که جوابگوی مخارجان باشند، و حتی بی کمل نبوغ ما و استعدادها و فضلا و علمائی که مادقا نه و بی هیچ قید و موطی، براساس مسئولیت اعتقد ای واجتماعیان همکاری کنند، دست بکاری زدهایم، و بی اجرای برنامه های همت گماشته ایم که اگر سازمانی اداری و دولتی بخواهد اجرا

چنین شرایطی دفاع از مبارزات پیغمبر شریعتی و راهی که او اراده داده بود بمنابعه یک وظیفه بودش قدرهای آگاه و متذکرین و منتقدین و خلبان اسلامی سندگانی میکرد و از آنجا که حمایت از مبارزات شریعتی و راه او در کلیش به منابعه قبول تمامی نقطه نظرها و مواجه او نمیبود، هیچ عذری برای خالی کردن شانه از چنین مستولیتی جایز نبود. هرچند برای او آنهمه در گیریها و معاندتها راه گذاشته و تاکید کننده و هنرمند بودند که امیدهای پدرستی راه میدانندو سلاح تبلیغ اورا برآورده تر و زرفای اندیشه اش را عمیق تر مینمودند، چنان‌جنه در صحن نظام هستی بسیاری از گرهها و تیرگها ضمن چنین مجاهده ای گشوده و روشن میگردند و با فردن در چنین راهی بی چشمداشت به جمعی مفت "توکل" را می‌طلبدتا علیرغم حمله ها و تهدید ها و فشارها از همه سو، آمورگاری پیشتر از چون اورا به درجه "اخلاق" برساند.

رژیم که تا آن‌زمان امید خویش را در کار مخالفین و معاندین او جستجو میکرد و عمدها خودرا بسته برده ها و ستها پنهان کرده و میکوشید، تا چهره ضد اسلامی خویش را مخفی نماید، با دیدن استمرا موقیت‌ها و بیاده شدن برنامه های درخشناد حسینیه ارعادو تائید هدایت بخش آن در فراغوان و بسیج جوانان و در مدندا جامعه علیرغم تمام طرح ها، تخطه ها و توطه ها، دیگر تاب نمی‌آورد و از بوده خروج کرده مستقیما به بستن "حسینیه ارشاد" اقدام میکندو نستبه تستگری فعالین و گردانندگان اصلی آن میزند. شریعتی نیز به فامله چند ماه زندا نی گشت. در خیما نظام حاکم شکنجه های روحی و جسمی بیشماری را بر این انسان وارسته زمان ما وارد کردنده و نهایت تلاش خود را بکار گرفتند تا قاست بلند وجود عصیان نگر اورادرهم شکنند، تا اورا و ادار کنند درستگاههای تبلیغاتی رژیم حرفة‌ای خودش را مطرح کنند، از مجمله های ارتباطی رژیم با مردم تماس پیگیرد و تبلیغ کندو در ضمن تائیدی هم هرچند کوچک نسبت به رژیم حاکم، اما معلم قیام کرده بود تابه مردم "کویس" درس "نه" گفتن را در نظام طاغوتی بدمند. انسانی با روحی باک و زیبا و استوار که قلم و امکانات خویش را هرگز در هیچ بقیه در صفحه ۶

ایستاده‌گی قامت مومن خویش را زست می‌داد. تکفیر به اصطلاح دینی و تکفیر به اصطلاح علمی و برجسته زدن و مارک دار کردن شخصیت باک مجاهد شریعتی با عناوین چون "وهابی" و "سنی" و "مزدکی" ارتاجاعی و... کالای رایج بازار جامعه مابود. در این میان افرادی مانند علی اکبر اکبری تحت عنوان "مائیل روشن‌فکری" به خودا جازه دادند. به نحو نامادقی به او حمله کنندور کتابهای خود صفاتی را که لایق خویشان بود به او نسبت‌دهندو کارمایه ای برای فرست طلبان درست کنند. از همین رو نیز رهای ابورتو نیست خارج از کشور که کتابهای این مجاہدرا نخواندند، در هنگام حمله رژیم به شخصیت شریعتی توسط چاپ بدون اجازه آثارا و در روزی نامه های خود، است به تکفیر و بخ کتاب علی اکبر اکبری زدند و به این ترتیب همگی در خدمت تبلیغات رژیم قرار گرفتند.

در این میان آنان که دین وايمان را جهت ضربه زدن به او دستا ویز کرده بودند مقبول ترین سلاح را از نظر رژیم صاحب بودند. چنان‌که رژیم خائن نیز مأمورین بی‌هویت متعددی را در این راه به کار گذاشت. این سته با وابستگی به رژیم در مدد بودند تا با دامن زدن به تهمت ها و غایمه هادر مورد دکتر عریعتی، تصویر اورا در نظر عامه خشیده دارساند و امروز نیز با فقادان آن مجاهد سعی دارند با توطه ها و زمینه سازیها همچنان حملات خود را به شخصیت آن مجاهد وارسته ادامه نهند. از شروع حرکت شریعتی، بودند کسانیکه لزوماً وابسته بستگاه نیزند اما موقعیت و مقام سنتی و هوا داری و حمایت مردم یا به نوعی ازانه، منافع خود را در خطر دیدند و با تلاشی متعددی دشمنی خود را علیه او آغاز کردند. اما در میان مخالفین شریعتی افرادی بودند که نه وابسته به رژیم و نه نگران شخصیت و نگهداری هوا داران و آب و نان خویش بودند بلکه به علت تسلط جیسو تبلیغاتی شدید دوسته اول و تسلط افکار سنتی رایج عدم درک و جنب آموزشیای دشمنی خود را علیه ایجاد، بیشتر از پیش به مبارزه و کارشکنی پرداختند. سیل تهمت و دروغهای بزرگ و غرض ورزیها از چند جبهه آغاز شد. شریعتی و بارانش نبرد قهرمانانه ای را شروع کرده بودند و برآس سپاه خود را نیاز زمان خسته استوار بیانی فشرندند. گوشی نیرویی عظیم برخاسته بود، بسیج کرده و گرد آمده بود تابه با یگاه و سرزمین آنان پورش برده، اما این نیروها تمام بزرگ و وسعتی با هر فرودی، از هم گشته و با استعمال به روش شدن مداوم چهره های حقیقت جزوی آنان می‌نگریست و در گرمای ایمانشان

بقیه "یاد... از صفحه" شوم مردم زبونی است که به هرنگی تن می‌هندتا "زنده بیانند" و "کسانی که گستاخ آنرا ندارند که شهادت انتخاب کنند"، مرگ "آنرا انتخاب خواهد کرد!"، (شهادت ص ۲۲) و از آنجاییکه معتقد بود هر انقلاب اجتماعی دور روی مکمل دارد؟ خون و بیام "در جامعه اعلام نموده

"وهر کس اگر مستولیت پذیر فتن حفر را، انتخاب کرده است، وهر کس که میداند مستولیت شیعه بودن یعنی چه، باید بداند آزاده انسان بودن یعنی چه، باید بداند که در ببرد همیشه تاریخ و همیشه زمان و همه ماهما محرم و همه روزها عاصبو را، باید انتخاب کند. با خون را، یا پیام را، یا آنچنان مردن را، یا این چنین ماندن را، "...." (پس از شهادت ص ۹۴)

کار مجاهدکبیر علی شریعتی از یک طرف هروشنگری و تبلیغ روحانیت مترقبی و انقلابی از طرف دیگر، همراه با حرکت سازمان برافتخار مجاهدین خلق ایران، در این دوره عملیاتی غصفه ها و کمبونه ها در کل جنبش اسلامی ضرورت اقدام به جهاد مسلحه را در جامعه مطرح کرده و خلق را برای حرکت در چنین سوئی مهیا می‌اختند چنین تلفیقی بود که محیط رشد و گسترش جنبش توین اسلامی را برایران مناسب میکرد.

همزمان با اوج گیری حرکات و کار منظم حسینیه ارمناد، نیروهای مخالف این حرکت، امبریالیسم و حکومت نشانده اش رژیم بهلوی، مجاهدهای عقب افتاده و ارتاجاعی جامعه، یعنی آنها که دمنافیان سخت به خرافت از اینها بود و باعده ها و حقارتها آنها را سخت آزار میداده بیشتر از پیش به مبارزه و کارشکنی پرداختند. سیل تهمت و دروغهای بزرگ و غرض ورزیها از چند جبهه آغاز شد. شریعتی و بارانش نبرد قهرمانانه ای را شروع کرده بودند و برآس سپاه خود را نیاز زمان خسته استوار بیانی فشرندند. گوشی نیرویی عظیم برخاسته بود، بسیج کرده و گرد آمده بود تابه با یگاه و سرزمین آنان پورش برده، اما این نیروها تمام بزرگ و وسعتی با هر فرودی، از هم گشته و با استعمال به روش شدن مداوم چهره های حقیقت جزوی آنان می‌نگریست و در گرمای ایمانشان

وکارهای گذشته را نمی‌توانست بیندازد. هجرتی دیگر لازم داشت تا دیوارها و قالب هائی که اورا در برگرفته بودندو حرکت را برا و مشکل میکردند درم بشكند. در این هجرت بود که به طور ناگهانی و مشکوک در ۴۹ خرداد ۱۳۵۶ در گذشت و خردانخونین را خونین تر ساخت. به هر حال ازانجا که دلیلی از بابت حسی او برای مرگ زودرس موجود نیست گر عوض نسبت به شرایط و نقش حساس دلائل سیاسی بسیار برای کوتاه شدن زندگی موجود است مرگعلی به هر عمل یا عاملی که باشد ساده تلقی نمیشود و رژیم منفور بهلوی واپادیش در کل جریان کوتاه شدن زندگی بر شمر این مجاهد را حق مقصرون.

آنچه مسلم استعلی شریعتی بخارطه نقش حساس در جنبش انقلابی اسلامی، شمنان قسم خورده بسیار میداشت و این امر فقiran وی را در حسین ترین شرایطی که جنبش انقلابی اسلامی بزرگترین ضربات را از منافقین متهم گشته و سازمان مجاهدین خلق ایران از هم گشته گشته بود بیش از پیش معنی میدهد. بخصوص که در آنجنان شرایطی است نیاز جنبش انقلابی خلق از مدد و همکاری افرادی چون آیت الله مجاهد طالقانی بدليل لو رفتن به وسیله منافقین و محبوس گشتن بوسیله رژیم کوتاه بود. در چنین شرایطی که شمنان قسم خورده جنبش انقلابی اسلامی ازنا بودی کارهای فعال و متفکرین و یا به بندهایی که نیاز داشتند به قتل این جنبش محتمل است و به احتمال قوی رژیم سربرده بهلوی عامل این قتل احتمالی میباشد. اخبار و اطلاعاتی که تا بحال نسبت به چگونگی خروج علی و در گذشت و منتظر شده است، بدليل وجود اجتماعات برای درک و فهم قاطعی از مسئله برای ما کافی نیست. خروج مخفیانه علی آنطور که تا بحال ادعای شده است علی رغم نا روشی هایش یا عدم رعایت مخفی شدن از بابت وی تا آن حد که با خوبی و ندانی زندگی کندو خود به بیشواز فرزندانش رود، دو مقوله ناسازگار میباشد. مگر با قبول چنین تصوری که علی در عین حالی که از جنگ رژیم گریخته بود، نیاز مخفی شدن در قبال این امر را ضرورت نمیدانسته و یا سهل انگاری کرده، که با فرض گریز از ایران چنین سهل انگاری ها از اول بعید بقیه در صفحه ۲

از کار افتاده و بی تاثیر یافتند بود، و از سوی دیگر فغار افکار عمومی داخل و خارج برای پنهان غیر قابل تحمل شده بود بعد از ۱۸ ماه اورا رها کرد. اما به نحوی که امکان هر نوع فعالیتی از او سلب شود و مردم را یارای تعاس گیری با او نباشد. ولی اثرات منبعث از شخصیت او ضربات کاری خود را همچنان بر رژیم وارد می‌ورد و ادامه این برای دشمن غیر قابل تحمل بود. بویژه آنکه اثرات وجودی این مجاهد بزرگ، افزایش دم افزون داشت و از مزها فراتر رفته و هر حركتش در جهت حق با برکتی بی نظیر گشته است. عده‌ای نبار تصویر باک و فداکار او می‌باشد در نظر عالم آلوهه گردد. چاب سلسله وار آثاری از او در «کیهان» اگر کسی را فریب داده باشد، آنها را که با او آشنایی داشتند و خود فریب نیز داشتند و این بار ثواب خلق بود تا او را نفریفت. این بار ثواب خلق بود تا او را پاری کند، هر کاره از او همه امکانات را در جنبش نظامی گرفته بودند. انسانهای مبارز و آگاهی به سهم خود و باشناختی که داشتند به دفاع ازا و برخاستند که از همه چشم گیرتر اعلامیه رسا و کوینده سنگر مبارزاتی حوزه علمیه قم را می‌توان نام برده که در محیط توطنه سکوت و خفقاران سیاسی این گونه هشدار داد. در اینجا لازم است که به همه قشرهای آگاه هشدار نهیم، مباردا زبان و یا قلم و یا شخصیت شما را شاه خائن در خدمت خویش قرار نهاد. هر چند که بودند عقده داران کینه توڑی چون بندگاه انتشاراتی مزدک در خارج کشور که بخیال یافتن فرمست مناسب در عقده دری خود را بخدمت رژیم گرفتند. در ادامه آن، کوشش های پیگیر دیگران از یک طرف و ناچسب بودن تهمت از سوی دیگر، در داخل و خارج کشور به همگان حتی به آنها که نجار سو نیتند، ثابت کرد که زمزمه مزورانه چنین تهمتی خود دغلکاری و شکاف اندازی آشکاری در جهت برنامه های هیئت حاکمه و سازمان دشمن است.

رژیم که همه برنامه های خود را نشاند، برآب میدید. واژه دیگر قدرت ابتکار و سلاح جنگیدن موثری با او نداشت. میکرد شیوه همیشگی در تندگان قرار دادن، آرام و منفر کردن اورا به عنوان یک حداقل دنبال کند. اما مجاهد شریعتی که همه عمرش به حرکت و مجاهده و رفتن گذشته بوده، استاد و مرور کردن خاطرات

بقیه "باد" صفحه ۵

نفریه "رسمی" بکار نگرفته بود حال چگونه میتوانست؟ مبارزه همچنان در زندان ادامه داشت و مجاهد کبیر علی شریعتی سر خویش را به علامت "نه" بالا گرفته بود و بینانی بلندش سندان میبورد. بتکهای بود که برای تسلیم کردن او بی دربی فرود می‌آمدند. تلاش قهرمانانه توانست اورا بکند که در آن صورت هر قطه خونش سرب می‌باشد در حلقوم جلد انش و اگر می‌ماند و چنان می‌ماند، اثراتی که از وجودش تراویش میکرده روزگار را بر قوم ستمگر تباه می‌ساخت و طومار حکومت جور و ستم را درهم می‌بیچید. رژیم به استعمال رسید و همه امکانات خود را به کار گرفت از جمله کمیتهای ریاست‌جمهور زاده خائن و مشتی خود فروخته دیگر تشکیل داد تا برکنار شکنجه ها به نحو دیگری با او مقابله کنند. این کسانی را نزد او آوردند که به نظام حاکم آری "گفته و در بندگویانی رژیم حرفهای زده و نمایش هائی داده بودند تا استدلای را که خودشان را در خواب کرده بود برایش بازگو کنند و بگویند که این کار شهید بازی است، اگر می‌خواهی به کارت ادامه نهی، قلم زدن یا برنامه تلویزیونی دادن برای استمرار کارت و مبارزه ات در این شرایط واجب است! اما معلم خود می‌خواست به جامعه بیان موزده مردی که دست اندر کار خلق ارزش "زنده" کنند و حیات بخشن در جامعه خویش است و باعثیت به خدا و خلق محکم و بی تزلزل در مقابل باطل ایستاده، سنجیدن کارش با ملاکهای حقیر و غیر انتقلابی و رایج، ندانست منطق حاکم بر تاریخ است. او فریب چنین استدلای هائی که امکان بقا، را با صدمه زدن به تمام سعی و کوشش های او فراهم می‌آورد، نخورد. جوا که خود آموخته بود در این نظام جای این گونه ماندن نیست، اگر می‌توانی بعیران! و اگر نمیتوانی بعیر! امّا دنست هنگامی ماندن ارزشمند است که همچون تیری در قلب دشمن جای گیرد و گرنه باید با مرگش به رسوایی رژیم اقدام کند و مردم را بسخوراند، راه سومی در منطق او وجود نداشت.

رژیم که همه سلاحهای خویش را برای تسلیم کردن انسانی که فقط در برآ برخداخی خویش تسلیم است، آزموده بود آنها را

باریک به امل خویش بیوند بخورد داده صحیح و منطقی خودباید و به باز سازی واحباً منابع فرهنگی غنی و بولیا و مبارزاتی خود اقدام کند، با توجه به خلاصه عظیمی که وجود دارد، بوجود آمدن اشکالات و انتباها بیشروا آن نباید موردنیانو کینه قرار گیرد. هرچندکه هر اشکال و انتباها باید برای غنای راه مورد نقد را گیرد زیرا این مشکلات نتیجه جبری قانونمندی حاکم بر دینا میزم چنین نهضتهاست که نسبت به شرایط زمان خود، فاصله قرنها را در ماه ها و سالها طی میکند و آنها که يخاطر وجود اشکالاتی در هر مقطع و نسبت به هر حرکت کینه تویی میکنند و آنها که در همان مقاطع جائی برای هیچ اشکالی و ایرادی تائل نیستند، هر دو را یعنی امر مشترک کند که چنین خصوصیتی را فهم نمیکنند. جامعه ما از بزرگتر کتسازمان مجاهدین خلق ایران و روشنگر انقلابی دکتر علی شریعتی و مبارزات افشاگرانه و پسیج کننده روحانیت انقلابی به رهبری آیت الله خمینی به نسبت آوردهای وسیعی نسبت یافته است که مضمون و محتوى حرکتش را بلکه تغییر داده و در مسیر تعالی بحرکت آورده و فرزندان خلق با بهره گیری از این نسبت آوردهای عظیم درآدامه و غنای چنین راهی خواهد کوشید.

جاداً ن با يخاطر همچادر که علی شریعتی هرچه کوبنده تربا و جنبش انقلابی اسلامی نابود باداً مبریاً لیسم جهانی بسر کردگی امبریاً لیسم آمریکا و نوکران نست نداشده

بنقیه "توضیحی ۰۰۰" از صفحه ۱ میکوشیم تا حد مکان به وقایع مهمی که در این مدت اتفاق افتاده است در هر فرضی بخورد کرده و دیدو بخورد تحلیلی خویش را نسبت به آنها ارائه نهیم، که سرتاله این شماره خود گویای انجام این وظیفه نسبت به بخشی از این مسائل میباشد. هرچندکه در فاصله این یکسال، سازمان از اظهار نظر قاطع نسبت به شرایط، حتی المقدور در حد موضعگیری کوتاهی نکرده و نسبت به مسائل مختلف چه از طریق برخی بیانها و قطعنامه های کنگره دوم و چه از طریق ارگان دفاعی سازمان، شریه خردانخوین موضع خویش را اعلام نموده است.

اگرچه هنوز مهندین او سرتا رحملات مفترضه برنداشته اند و به تحریک رژیم کار خویش را دنیا میکنند، اما افکار بلندپریعتی دیدگر راه خود را بیدا کرده است و با همه مخالفتها و معاذنها و کچ تابیها، بعلت بیام نهفته در آن و صداقت و هوشیاری ما جلس در حضور خود اور جامعه رسخ کرده و میگردند ایجاد حرکت، گسترش یافته و پس از فقادانش این ابعاد وسیع تر شده و محدودیت های جفا فیاضی را بسرعت در نور دید. آنچنانکه افکار او از محدوده جفا فیاضی ما مبتعد شده و در باش به نیازهای جنبش اسلامی در آدامه نهضتها فکری مختلفی چون نهضت سید جمال (سلفیه)، محمد عبده (بازگشت به قرآن)، واقبال (فلسفه خودی) و... با نقد متعهدانه و حرکت از ستا و رنهای آن به ابعاد تفکر اسلامی در مسیر رسیدن به امل خویش بیش از پیش وسعت داده و عمق بخشید و این همان راهی است که بعداز او نیز باید دنیا شود. و بیدنک در چهار جنوب جنبش انقلابی اسلامی نقد کسی در کار او متعهدانه و با ارزش است که با تجلیل از عصیت و زحمات وی و تبلیغ نسبت آوردهای همراه باشد. آنچنانکه او نیز در بخورد به نهضتها فکری عمدتاً با همین میوه عمل کرد.

با اید توجه داشت، وقتی نهضتها فکری در جوامع اسلامی بعد از آنهم دور ماندگی از امالتها و سر بردن در نظام طبقاتی و قفقه در رشد و تطبیق پذیری آنها با زمان، انجام میبینید، در عین باش گفتن به نیازها و ضرورتها فوری و حیاتی جامعه بالطبع و قهرای خالی از اشکال نخواهند بود، از زمانی که تلاشی جهت ایجاد نهضت فکری اسلامی آغاز شده چنین روندی بمنابع قانون طبیعی این بیدیده های دور افتاده از امل خویش مشهود بوده است. جامعه ایکه قرنها از تفکرات اصلی خود بدور مانده و در محیطی دم میزند که همواره از داخل و خارج مورد تهاجم و بیماران های فکری است، و چنین حملاتی قدرت و استقلال فکری بخش وسیعی از جامعه را عمل میکند. یابیمارکرده است، و منابع فرهنگی اش در زیر لایه های ضخیم جهل و تحریف و خرافه دفن شده است، آن زمان که میخواهد با تسلی به رشتها

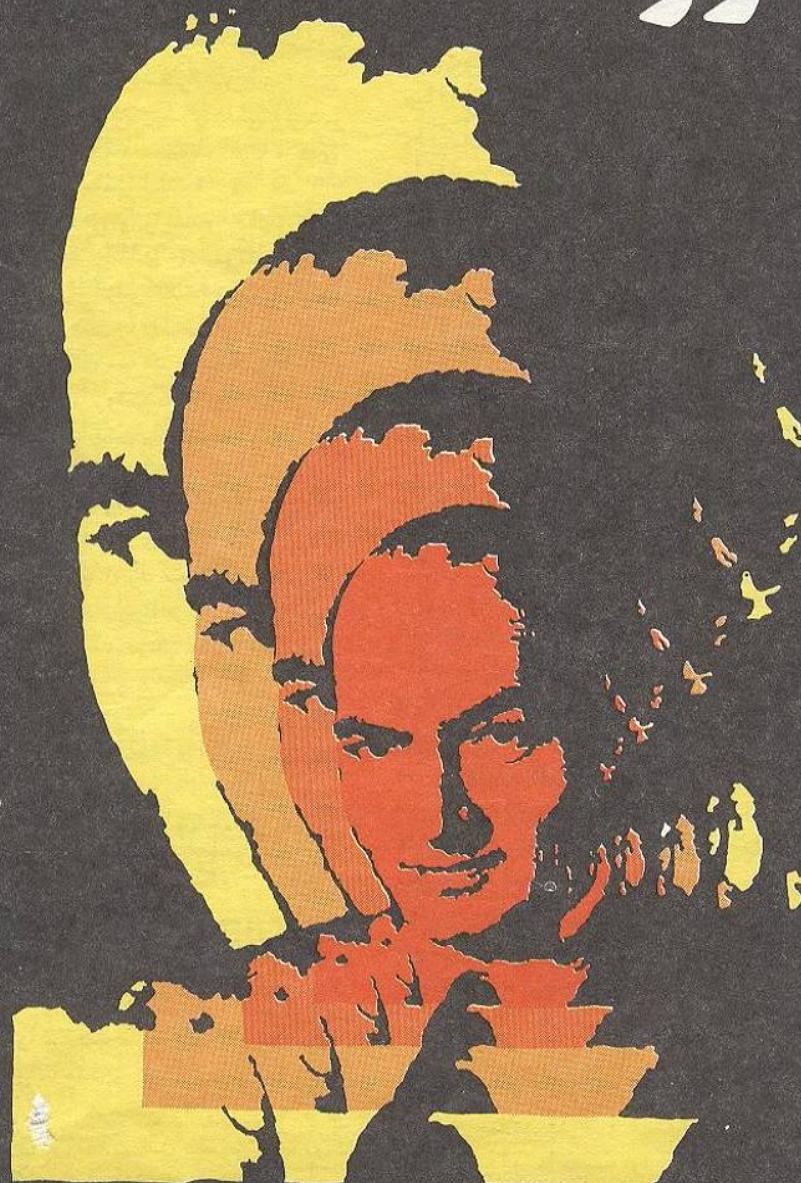
بنقیه "پاد ۰۰۰" از صفحه ۶ میباشد. علی در مواردی نسبت به خروجش از مکار "مکار" سخن گفته که چگونگیش بر ما روش نیست و چه با که این "مکار" از نظر او به نفس خارج شده از ایران باز گردتا چگونگی آن.

از آنچه از نظر افکار عمومی قتل علی در خارج با مشکلات و در مسیرهای کمتری و درگم کننده های بیشتری برای رزیم میسر بوده، آنکه رزیم از خروج علی و عدم سختگیری بروی برای به انجام رساندن این هدف و درنتیجه مغبون شدن علی در عدم رعایت مخفی شدن و درنتیجه به انجام رسیدن این هدف بليد نیز متحمل است. به هر حال همانطور که ذکر شده، مفهوم از این احتمالات رزیم مرجع بهلوی خالی از هر شک و شبیه ای درکل، نسبت به کوتاه شدن زندگی برثمر وی متصر است.

رزیم ارتجاعی و وابسته بهلوی برای عواشری بیشه خلفای جور در تاریخ تسبیح خویشتن را از درگذشت او متاسف قلمداد کرد و در عین حال سعادت به سرکوبی جلسات یادبود این مجاهد نستوه برداخته، ما مورین جیره خوار و سرکوب حکومتخانه که داشتن یک کتاب از او را با جبس و بند و شکجه کیفر میدادند، سعی داشتند که با زبان الکن و دروغ رفراز خوده در روزی نامه های جیره خوار خود، آموزگار بیشتر از خلق را بخود آنها "مرفری" کنند و حال آنکه چنین ظاهر سازیها خود سرمنشان افشاگریها دیدگر شدند. خلقی که خود شاهد رنجها و شکنجه های وارد از این رزیم برآموزگارش بوده، و میدید که گوشه این رزیم مرجع میکوشید تا اورا از فیض وجود آموزگارش محروم سازد، با عملیات متعدد اعتراض خویش به یا وه گوشی های خصم باش داد. و یاد یا آور را همچنان زنده نگهداشت.

با فقدان شریعتی رزیم با آزادگانش تکتابهاش از یکسو و کوک کردن مفترضین او از سوی دیگر کوشیده که در کارزار دیگری بر علیه او خود را در پیش سرو باستگان و پیوک مفزان مخفی ساخته و در عین حال بازار تکفیر دینی علیه شریعتی را رواج نهد، اما هوشیاری فرزندان خلق بخصوص روحانیت مترقی و انتقامی بخود بوده چنین شرایطی جز رسوایی بیشتر برای رزیم چیزی بیار نیاورد. بخصوص که این کارزارها بسی از مرگ و بخوبی نشان داده اند و بیش از علی از راه وی وحدت زدماست.

یاد یادآور



بعاهد علی سرپوشی سرباز ساه خدا و آن بودند نساج
موقدر رهکنای جنبهای اسلامی مسلمان جهان و
از نسازان حسن بوس اعلایی خلق مسلمان ایوان که
خود ساخته ای وارسیده بود . زندگی را بالله جهان بر
سوار "الله و ای الله راحون" تطمیق داد و در پسر
آن برای بوده های معروم شنیده و بخت انساف
با ساقیون رزیم فرن و امیرنامیم بینجه در انداخت
و بازها رژه و نشخه و زیاد را بجان خرد و از خوب
باریانسان . در عمل نیروی خود را از ساعت عملی این
فلسفه "ای الحسنه نعمه والهداء" سان داد و
نداس بزودی به گوین مستضفی راه خوست و
بوده ای اندیوار و نفشه و ساکردنی معاذل از اکوه
که نبیو هاشم را در صلحه های بزود دیده ایم . ساخت .
ساختام در ادامه روح ها و فشار های که رزیم بینجه
بلوی برای خانوی سین و وجودس بر او بعیل میگرد .
آنچنان عویص فعالیتش نیک شده که وا ادامه روابت
خوبی و ایست به بازهای حسنسر شوابط
حسن اتفاقی اسلامی . هجرت نمود . اما
دیری نیاید که در این راه با نزک مرموکی که به حال
رزیم از حمله انساب و مسیاب آن است در
۲۹ خرداد ۱۳۵۶ هجری خرد اد خوبی را خوبی نز
ساخت .

سلک حسن اتفاقی اسلامی خلنهای سراسر جهان با
نکه بر دساوردهای ارسنیک بیسان حوددر
سیون و غای راه آنادمی از حرکت باز خواهد
اسناد و در مسیر خدالش در آستان تاریخ خلنهای
جهان نلت سازه های سفار خواهد داشت .